



صفحه ۱۰۹ تا ۱۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۰

مطالعه نقش دوگانه شبکه‌های اجتماعی در بزهکاری

(مطالعه موردی شهر ارومیه)

سعید فرامرزیانی^۱، شفیق بهرامیان^۲، کریم کرامت^۳

چکیده

مسئله پژوهش حاضر در خصوص شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از گونه‌های رسانه‌های اجتماعی می‌باشد که امکانات تعاملی قابل توجهی برای کاربران اینترنتی دارد و در برخی فرایندها برای مخاطبان خود مفید و از سوی دیگر، برای جامعه دارای آسیب‌های گسترده می‌باشد؛ هدف این تحقیق مطالعه نقش شبکه‌های اجتماعی در افزایش یا کاهش بزهکاری جهت پیشگیری و نقش آموزش سواد رسانه‌ای در جهت کاهش آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی بر کاربران است. تحقیق حاضر از نظر هدف، یک پژوهش کیفی به شکل مصاحبه عمیق ساختار یافته است و با توجه به موضوع، این پژوهش دارای دو جامعه آماری متفاوت می‌باشد؛ بخش اول، کارشناسان خبره در امور رسانه و ارتباطات اجتماعی و بخش دوم، افراد صاحب‌نظر در رشته حقوق و جرم‌شناسی بودند که تا رسیدن به اشباع نظری با ۲۲ نفر از آنها مصاحبه و به وسیله نرم افزار مکس کیودا نتایج جمع‌آوری گردید. نتایج نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی از یک طرف (بسته به نحوه انعکاس حوادث و اخبار) توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد به ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی و ترویج الگوهای زندگی سالم می‌توانند در کاهش وقوع جرم و افزایش احساس امنیت موثر باشند. در نتیجه گیری در این پژوهش تأیید شد که شبکه‌های اجتماعی به طور ذاتی باعث بروز بزهکاری نمی‌شوند بلکه نوع استفاده از آنها است که می‌تواند موجبات تاثیرگذاری منفی یا مثبت آنها را فراهم نماید و برای مقابله با بزهکاری باید از ظرفیت‌های رسانه‌ای جهت آگاهی، آموزش و فرهنگ‌سازی استفاده شود.

واژگان کلیدی: رسانه، شبکه‌های اجتماعی، پیشگیری، بزهکاری، جرم

۱. استادیار علوم ارتباطات، گروه علوم اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)،

ssffma@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم ارتباطات، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

۳. کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آذربادگان

Studying the two-faceted Role of Social Networks in Delinquency

(Case study: Uroumiyeh City)

Saied Faramarziani¹, Shafi Bahramian², Karim Keramat³

Abstract

The subject of the present research is about social networks as one of the social media which have considerable interactive abilities to Internet users and in some processes, is useful to its intended users and on the other hand, it brings about certain damage to the society. The objective of this research is to study the role of the social networks in increasing or decreasing delinquency in order to prevent and play the role of training media literacy to minimize social networks damage on users. The present research is of qualitative kind, in terms of objective and it is conducted in the form of deeply structured questionnaires and in regards to the subject matter, this research has two different statistical societies, the first part, included experienced experts in the field of media and social communications and the second part included scholars in the fields of law and criminology where 22 individuals were interviewed and using Max Cuda Software, the results were gathered. The results show that the social networks, on the one hand (depending on the way events and news are reflected) have the ability to intensify feelings of insecurity, promoting delinquency and motivating people prone to commit crimes, and on the other hand, by playing the role of information dissemination and promoting healthy life models, can be effective in minimizing the occurrence of crimes and increasing feelings of security. In the results of this article, it was verified that social networks inherently do not cause delinquency, but it is the way we use them that might cause negative or positive effects and to combat delinquency, media capacities should be used to provide awareness, training and culturization.

Key words: media, social networks, prevention,, delinquent, crime

-
1. Assistant Professor of Communications Science, Social Science Department, Hakim Sabzevari University, Sabzevar Iran (Writer-in-charge) sffma@yahoo.com
 2. Ph. D Graduate of Communications Science, Researcher and University Professor
 3. Master of Science in Communicatons Science, Azar Abedagan University





مقدمه و بیان مسئله

قرن حاضر با پیشرفت‌های خیره کننده در فناوری ارتباطی جدید، جهان را به سوی «دهکده جهانی» رهنمون ساخته که شاخصه‌های اصلی آن، از میان بردن فاصله‌ها، زمان و مکان است. این تحول باعث در هم ریختن نظام دولت‌ها، سازمان‌های ملی موجود، شیوه‌های رفتاری و بز هکاری‌های مختلف برای شهروندان جوامع شده است.

گسترش شبکه‌های سایبری توسط اشخاص به آسانی انجام می‌شود و کاربران رسانه‌های اجتماعی می‌توانند مغایر با اهداف رسمی و قانونی موجود در یک جامعه هدف‌های را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را با چالش‌ها و بحران‌هایی مواجه نمایند (صادقی و عامری ۱۳۹۵: ۱).

شبکه‌های اجتماعی با جایگاهی که از بدو تولد تا مرگ در زندگی افراد پیدا کرده‌اند، می‌توان آن‌ها را در زمره نهادهای اجتماعی و یکی از عوامل اصلی تأثیر گذار بر پذیرش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی دانست. در نتیجه می‌توانند تأثیر بسزایی در نگرش افراد نسبت به رویدادهای اطراف خود داشته باشند. در واقع، در حال حاضر استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی مجازی دنیای جدیدی را ایجاد کرده است که شامل مجموعه‌ای از به هم پیوسته، در هم تنیده و چندوجهی است (کلانتری، محیبی و حیدرخانی، ۱۳۹۵).

ظهور شبکه‌های اجتماعی در قالب یک پدیده همگانی و مباحث مربوط به تأثیر گذاری بر رفتار و نگرش کاربران را نیز به عنوان یک حوزه مطالعاتی به همراه خود پدیدار کرد و از ابتدای همه‌گیری این گونه رسانه‌ها نظریه پردازی درباره اثرات مطلوب و نامطلوب آنها بر کاربران آغاز شد که محققان ارتباطات موافقند که از زمان ظهور صنعت رسانه مدرن، جامعه جنایتکار تر شده است. به ویژه از زمان معرفی فناوری‌های سینمایی، تلویزیونی و سپس رایانه‌ای، نگرانی‌های عمومی در این باره تشدید شده است (Carter and Weaver 2003, 31).

شبکه‌های اجتماعی به دلیل کار کرد و نقش فعالی که در دنیا دارند، در بسیاری از جنبه‌های گوناگون در زندگی بشر سایه افکنده و اثرات غیر قابل تردیدی بر جای گذارند. این شبکه‌ها در محیط فضای مجازی واقعیتی انکار ناپذیرند. بنابراین، راهکار این است که به جای آنکه نادیده گرفته شوند، نگاه واقع بین به نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این شبکه‌ها بر بز هکاری و آسیب‌های اجتماعی بلاخص بز هکاریها را دارند بشود؛ چرا که جامعه کنونی در حال وارد شدن به عصری جدیدی است که در آن شاهد شکل گیری مؤثر و جدیدی از ارتباط میان مردم و فضای مجازی خواهیم بود (نصیری، بختیاری و طاهریان، ۱۳۹۲).



تغییرات فناورانه و پیدایش تحولات سریع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و پیامدهای ناخواسته یا خواسته آنها، آمادگی لازم را برای وقوع و گسترش بزهکاری در همه جای جهان فراهم آورده است. کودکان خیابانی، فرار دختران، خشونت، کودکان کار، بیکاری، اعتیاد و انواع گوناگون بزهکاریهای دیگر، بسیاری از مسائلی هستند که در تمامی کشورها، چه پیشرفته و چه در حال پیشرفت، وجود دارند (معتمدی، ۱۳۸۲).

در این میان شبکه‌های اجتماعی علاوه بر مزایا و امکاناتی که برای مخاطبان خود فراهم می‌کنند، قطعاً آثار نامطلوبی نیز دارند با توجه به اینکه در بین مسائل و مشکلات اجتماعی، استفاده بیش از حد از شبکه‌های اجتماعی یکی از موارد مهم و اساسی است که مانند سایر اعتیادها دارای علائمی مانند اضطراب، تنهایی، افسردگی، کج خلقی، اعتماد به نفس پایین و... می‌باشد. از سوی دیگر، صحبت از رسانه به عنوان چیزی ساده و مجرد کاملاً بی‌معنی است زیرا رسانه مجموعه بسیار گسترده‌ای از پیام‌ها، انواع مطالب و افکار است که بیشتر آنها برگرفته از خود رسانه نیست، بلکه از جامعه گرفته شده است و در نهایت به خود جامعه بر می‌گردد (خواج‌عیان و همکاران، ۱۸: ۲۰: ۱۲). گسترش فضاهای اینترنتی مثل سایر انواع دیگر تحولات و پیشرفت‌ها که پیامدهای آن می‌توانند آثار منفی و مثبت گوناگونی را در جامعه و زندگی کاربران آن شبکه‌ها ایجاد کند که منفی‌ترین پیامد آن پدید آمدن بزهکاری‌های مختلف می‌باشد و مثبت‌ترین پیامد آن را می‌توان تسهیل و تسریع ارتباطات و تبادل اطلاعات به حساب آورد (فخریان، ۱۳۹۰: ۲۴). بحث پیرامون ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و بزهکاری و مطالعه آثار و پیامدهای کاربرد فناوری‌های ارتباطی، اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف بسیار حائز اهمیت زیادی می‌باشد از جمله پیامدهای منفی آن، دسترسی به اطلاعات خصوصی کاربران در شبکه‌های اجتماعی است که باعث افزایش انواع بزهکاری می‌شود (فرامرزی و کشاورز، ۱۳۹۳). با حضور خواسته یا ناخواسته شبکه‌های اجتماعی در تمام زمینه‌ها چه عمومی و خصوصی، باعث شده که این وسایل ارتباطی براساس تنوع و قدرتی که دارند باعث بروز انواع گوناگونی بزهکاری‌ها در جامعه شوند (عین بیگی و خان شریفان، ۱۳۹۴). با توجه به مطالب بالا، باید گفت شبکه‌های اجتماعی در این زمان با زندگی مردم عجین شده که به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه برای آنها تامین‌کننده نیازهای عصر جدید است ممکن است صدماتی در غالب بزهکاری برای فرد و جامعه داشته باشد. در مجموع، مطالب یادشده نشان دهنده جایگاه و اهمیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در مطالعات انحراف‌های اجتماعی از قبیل جرم و بزهکاری می‌باشند؛ از این رو پژوهش حاضر در پی آن است که شبکه‌های



اجتماعی مجازی به چه صورت‌های می‌توانند در افزایش یا کاهش بز هکاری موثر واقع شوند؟ و راهکارهای لازم جهت پیشگیری از جرایم سایبری و بز هکاری با توجه به سواد رسانه‌ای، چیست؟

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

بیداروند (۱۴۰۱) در سال در پژوهشی با موضوع «تأثیر پیشگیرانه سرمایه اجتماعی رسانه‌ای بر بز هکاری در بستر فناوری‌های جدید در دوران اپیدمی کرونا» به بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی رسانه‌ای، از منظر دانشگاهیان در کاهش جرایم و آسیب‌های فضای سایبری و عوامل اجتماعی، فرهنگی در بستر رسانه‌های نوین پرداخته است. پژوهش با روش پیمایشی صورت گرفته و شیوه جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افزایش توانایی مخاطبان در جامعه، بر پایه ترویج سواد رسانه‌ای مبتنی بر فرهنگ، عدالت، اخلاق و درک آگاهانه و انتقادی از ماهیت رسانه‌های جمعی و فونونی که از سوی تولیدکنندگان رسانه استفاده می‌شود، بر شخص و جامعه در جهت کاهش یا کنترل بز هکاری سایبری موثر واقع می‌شود. از یافته‌های پژوهش چنین بر می‌آید که بین درک محتوای پیامها، آگاهی از اهداف پنهان پیامها، گزینش آگاهانه پیامها، تجزیه و تحلیل پیامهای رسانه‌ای، نگاه انتقادی و عقلانیت به محتوای پیامها به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی رسانه‌ای با کاهش آمار بز هکاری سایبری رابطه مستقیم وجود دارد.

میری بالاچور شری (۱۴۰۱) پژوهشی با موضوع «بررسی تطبیقی سیاست کیفری انتشار اطلاعات نادرست در رسانه‌های مجازی» انجام داده است. این پژوهش با هدف تبیین سیاست کیفری متداول در نظام‌های حقوق کیفری، انتشار اطلاعات نادرست در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی، از طریق بررسی تطبیقی قوانین کیفری شماری از کشورها، این نتیجه را گزارش می‌دهد با افزایش و فراگیری استفاده از فضای مجازی، اقبال به شبکه‌های اجتماعی نیز به شدت رو به فزونی نهاده شده است. اگرچه شبکه‌های مجازی، فرصت اشتراک گذاری آسان اخبار و اطلاعات را فراهم می‌سازند، اما باعث بروز مشکلات فراوانی هستند که از جمله‌ی آنها، انتشار و به اشتراک گذاشتن اطلاعات بی‌اساس و گمراه‌کننده، به صورت غیر قابل کنترل، از سوی مخاطبان



بی شمار آن شبکه‌ها و گاه، اختلال در نظم عمومی است. یکی از ملموس‌ترین مثالها در این زمینه، انتشار اطلاعات بی‌اساس و جعلی است. در این دوره زمانی دشوار، در شبکه‌های اجتماعی، اخبار و اطلاعات بی‌اساس و دروغین، مبنی بر عدم اقدامات کافی نهادهای ذی صلاح و مسئول، در درمان و پیشگیری بیماری کرونا، انتشار یافت؛ صفحه‌ها و پیام‌های جعلی مختلف، ایجاد و بارگذاری گردید؛ تصاویر ساختگی و صداها غیر واقعی، به اشتراک گذاشته شد و بدین روش، شبکه‌ای اجتماعی، ابزاری شایع و تأثیرگذار برای ایجاد وحشت عمومی و نگرانی قرار گرفت. اندک توجه به واقعیت مذکور، به تنهایی، ضرورت وضع قوانینی کیفی را جهت صیانت از سلامت شبکه‌های اجتماعی و جلوگیری از آلودگی اطلاعات در رسانه‌های مجازی، نمایان می‌سازد.

یار احمدی (۱۳۹۸) پژوهشی با موضوع «سیاست جنایی، قانونگذاری در سواد رسانه‌ای بر اساس رویکرد سناریو نویسی پیشگیری از بزهکاری» انجام داده است. بررسی سیاسی شدن نظام قضایی برای جلوگیری از کاهش میزان تکرار جرم و بزه دیدگی، شرط اصلی کاهش جمعیت کیفری و هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی ناشی از بزه دیده از اهداف این پژوهش است، ضمن تاکید بر لزوم توجه به سیاسی شدن نظام قوه قضائیه برای جلوگیری از تکرار جرم و بویژه جرایم مجرمان حرفه‌ای و نیز لزوم توجه به پیشگیری از بزه دیدگی مکرر، عدم الزام مراجع مجری عدالت کیفری به اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه غیر کیفری در جلوگیری از جرایم مکرر و همچنین نبود سیاست‌های مناسب برای ایجاد سازوکارهای پیشگیرانه این امر در اقدامات تامینی در کشور ما به روش توصیفی و تحلیلی انجام می‌شود. به گونه‌ای که شرط لازم برای هرگونه تغییر در چرخه بزه دیدگی مکرر، لزوم تغییر نگرش الگو نسبت به نقش بزه دیدگان، حقوق و نیازهای آنان از عدالت در امور کیفری در نظر گرفته شده است. رویکرد ترمیمی ظرفیت لازم برای چنین تغییر پارادایم است. این امر با توجه به نقش و کارکرد سواد رسانه‌ای مخاطبان و نیز سناریوهایی که می‌توان برای جلوگیری از فساد در سیاست‌های قانونگذاری کشورمان انجام داد.

غضنفری (۱۳۹۳) در پژوهشی با موضوع «بررسی نقش رسانه‌های گروهی در ارتکاب جرم و بزهکاری در تابستان ۱۳۹۳» پرداخته است. در روند بزهکاری و جرایم. اینترنت و تأثیرات آن در دو حوزه جرم زدایی و پیشگیری از جرم از اهداف اصلی این محقق بوده است. از یک سو رسانه‌ها را باید یکی از عوامل تأثیرگذار اجتماعی در جرایم دانست که از طریق قهرمانی، آموزش انواع جرایم در ارتکاب جرم، نقش مؤثری در تحریک افراد و مخاطبان مستعد به ارتکاب جرم و با



نشان دادن صحنه‌های جنایت و همچنین نمایش وقایع مجرمانه باعث حساسیت‌زدایی و عادی شدن جرم می‌شود و با پوشش رسانه‌ای فرد را وادار به همذات‌پنداری با جرایم می‌کند و زمینه ارتکاب جرایم تقلیدی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر با توجه به نقش آنها در فرهنگ سازی ایجاد، آموزش و ارائه اطلاعات دقیق متناسب با افزایش امنیت اجتماعی در صورت رعایت حرفه‌ای یکی از عوامل پیشگیری از وقوع جرم محسوب می‌شود. با توجه به تاثیر خوب رسانه‌ها در پیشگیری از جرم، دولت‌ها می‌توانند از این ابزارها برای سیاست‌گذاری خود استفاده کنند و هزینه‌های خود را در مبارزه با جرم کاهش دهند. در ایران با اتخاذ سیاست‌های موثر قضایی و تعاونی می‌توان از رسانه‌ها به عنوان عاملی در پیشگیری از وقوع جرم استفاده کرد.

فتاحی (۱۳۹۱) به بررسی «نقش توسعه صنعت و فناوری رسانه در پیشگیری از وقوع جرم» پرداخت. در این تحقیق که با روش توصیفی و تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای - اسنادی و با ابزار گردآوری داده‌ها انجام شده است. به منظور تعیین چگونگی مداخله رسانه‌ها در پیشگیری از وقوع جرم، انواع برنامه‌های جنایی بلندمدت و کوتاه مدت و غیر جزایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از این است که روش‌های گذشته مبارزه با جرایم، یعنی اعمال قوانین توسط قوه قضائیه و پلیس و حتی اعمال روش‌های اصلاحی و تربیتی در زندان‌ها و امثال آن. موسسات، منجر به پیشگیری یا کاهش جرم نشده است. با ورود به قرن بیست و یکم و گسترش عظیم ابزارهای ارتباطی و پوشش ابزارهای ارتباط جمعی توسط رسانه‌ها و همچنین تغییرات ناشی از انقلاب ارتباطات و تأثیرات آن بر زندگی اجتماعی، اقتصادی، حتی سیاسی و فرهنگی کشور مشهود است. رسانه‌های جمعی قدرت بیان پیام‌های مسالمت آمیز و انسان دوستانه و استفاده از آنها را دارند. باشد که آرامش زندگی اجتماعی بشر را برهم بزنند و انواع انحرافات را در زندگی مردم بیاورند.

مبانی نظری

شبکه‌های اجتماعی مجازی

شبکه اجتماعی، سایتی است که در مرحله اول به افراد و سازمان‌ها اجازه می‌دهد، صفحات خودشان را روی آن ایجاد کنند و در مرحله دوم اجازه می‌دهد این صفحات بر اساس مشترکات گوناگون به هم متصل شوند. وقتی صحبت از شبکه اجتماعی می‌شود باید به کامیونیتی یا



همان جامعه کاربری هم اشاره کرد. در حقیقت یک شبکه اجتماعی سایت یا مجموعه سایتی است که به کاربرانی که دوست دارند علاقه‌مندی‌ها، افکار، فعالیت‌های خودشان را با دیگر به اشتراک بگذارند و دیگران هم با آنان به اشتراک بگذارند بالاخره هر شبکه اجتماعی یک سری خدماتی را ارائه می‌دهد که این خدمات می‌تواند متناسب با امکانات سایت باشد (فرامرزیانی و همکاران، ۱۳۹۵).

شبکه‌های اجتماعی به کاربران این شبکه‌ها اجازه می‌دهند تا در یک محیط اینترنتی یک نمایه عمومی یا تقریباً عمومی تهیه کنند که شامل بخشی از ویژگی‌هایی است که فرد می‌خواهد دیگران و در صورت تمایل افراد درباره او بدانند. همچنین می‌تواند در آن عکس قرار دهد و لیستی از دوستان خود و تمامی کاربران این شبکه را در اختیار داشته باشد و از آن برای یافتن دوستان قدیمی خود و ایجاد روابط جدید استفاده کند. همچنین امکان اظهار نظر در مورد نوشته‌ها و عکس‌های دوستان و چت به معنای تعامل با آنها می‌باشد. (سلیمانی، ۷، ۱۳۹۴). شبکه‌های اجتماعی با ایجاد حس اعتماد، کانالی عاطفی - شناختی را ایجاد می‌نمایند که تأثیر بالایی بر روابط بین کاربران این شبکه‌ها و وب سایت‌هایی این چنینی دارند (فرامرزیانی و همکاران، ۱۳۹۸).

ویژگی‌های فضای سایبر که شبکه‌های اجتماعی در این فضا فعالیت دارند و تفاوت‌های محیط سایبر در مقایسه با سایر محیط‌ها از قرار ذیل می‌باشند: ۱. نامحدود بودن فضای سایبر: محیط سایبری دارای حدود مشخصی نیست در فضایی حقیقی و واقعی با شمار افراد مشخص یا محدوده مشخص سروکار داریم، اما فضای سایبر، محیطی بدون مرز است. (برنت ایتروی، ۶۲۶، ۱۳۸۵) ۲. ناملموس بودن فضای سایبر: فضایی سایبری، محیطی فیزیکی نیست. این ویژگی فضای سایبری را بسیار خطرناک‌تر از محیط واقعی می‌کند. (نوریان، ۷: ۱۳۹۱) ۳. تغییرپذیری و توسعه: ماهیت این فضا و پیشرفت‌های روز افزون تکنولوژی موجب شده که هر روز شاهد پیدایش خدمات اینترنتی نوین شامل برنامه‌ها یا نرم افزارهای متنوعی باشیم. (فضلی، ۱۳۸۹: ۷۰: ۴). تخصصی بودن و پیچیدگی: از دیگر خصلت‌های فضای سایبر، پیچیده بودن و تخصصی بودن این فضا است یعنی داشتن سواد رسانه‌ای، تخصصی بودن به معنی داشتن توانایی خاص در ورود به این محیط نمی‌باشد. دلیل اینکه یک فرد معمولی با استفاده از یک کامپیوتر یا موبایل به آسانی توانایی ورود به اینترنت را دارد. ۵. دسترسی سریع و آسان: از دیگر ویژگی‌های این محیط دسترسی سریع و آسان به این محیط است، به شکلی که اشخاص به سادگی این توانایی را دارند که تمامی شرایط



این محیط را به صورت نامحدود مورد استفاده قرار دهند. ۶. استفاده‌ی نامحدود از فضای سایبر : از دیگر ویژگی‌های این محیط، وابستگی بسیاری از کارهای روزانه بشر به این فضا است (پاکزاد، ۱۳۹۵، ۱۸).

شبکه‌های اجتماعی و بزهکاری

شبکه‌های اجتماعی یکی از عوامل اجتماعی موثر بر جرم هستند و بررسی رابطه جرم و شبکه‌های اجتماعی یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مباحث است. سیاست‌های عمومی و نگرش‌های عمومی اجتماعی در مورد جرم با هم مرتبط هستند. علاوه بر پیچیدگی‌های ارتباط رسانه‌ای، منابع متعدد دیگری را ایجاد می‌کند که یا با ارتباط متقابل با رسانه‌ها و یا خود باعث بروز جرم می‌شوند این منابع از ویژگی‌های فردی گرفته تا جنبه‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و... را در بر می‌گیرد و به شرایط جسمی، روحی یا اجتماعی که نقش مه می‌در رشد و افزایش جرایم دارد، عامل می‌گویند. عامل جنایت و بزهکاری نمی‌آفریند، بلکه بزهکاری را می‌پروراند. تأثیر عامل در افراد مختلف متفاوت است، چه بسا افراد تحت تأثیر عواملی مرتکب جرم و بزهکاری می‌شوند، در صورتی که افراد دیگری که در شرایط مشابه آنها قرار دارند و در شرایط یکسانی در جامعه زندگی می‌کنند، مرتکب بزهکاری نمی‌شوند. به عنوان مثال صدها نفر یک فیلم جنایی را تماشا می‌کنند، فقط تعداد کم می‌از آنها تحت تأثیر فیلم مرتکب جنایت می‌شوند (ظهوریان، ۱۳۹۲).

این وجود تفاوت در گرایش‌ها، استعدادها، شرایط، محیط خانوادگی، شرایط اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، سیاسی، جسمی و روحی افراد است که باعث قدرت مقاومت و متمایز شدن افراد از یکدیگر می‌شود. تعیین رابطه دقیق بین عامل و اثر مشکل است، زیرا در همه موارد، عامل تأثیر مطلق و تعیین‌کننده‌ای در وقوع جرم نخواهد داشت.

یکی از بحث‌های که در زمینه شبکه‌های اجتماعی همیشه در مراکز علمی مطرح شده، میزان اثر گذاری این وسایل در نابهنجاری، رفتارهای بزهکارانه و ضدا اجتماعی می‌باشد. به طوری که برای اثر گذاری این رسانه‌ها بر روی افراد بسیار تلاش شده. جامعه از زمان ظهور صنعت رسانه مدرن، بزهکارانه شده است و بدیهی است که با ورود شبکه‌های اجتماعی در جامعه، زمینه جرم زای آن بیشتر می‌گردد. طبق باور نیل پستمن در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۹ میزان ارتکاب بزهکاری‌های سنگین برای افراد کمتر از ۱۵ سال، ۱۱۰ برابر افزایش پیدا کرده است. از دوران کودکی و حذف کودکی از دوران عمر انسان و تقلید از رسانه‌های کلاسیک مانند تلویزیون از جمله



دگرگونی‌های منفی عصر حاضر است (پستمن، ۱۳۷۸: ۲۴ و ۲۶۹). گذشته از این، گسترش خیره کننده و روزافزون شبکه‌های اجتماعی چه در رایانه‌ای و موبایل و استفاده بسیار زیاد کاربران این شبکه‌ها از این وسایل، منشأ بسیاری از دستگاه‌های بزهکارانه است. مواردی مانند «فرازمانی»، «گمنامی»، «فرامکانی»، «تعاملی بودن»، «سیالیت»، «چندرسانه‌ای بودن»، «تشدیدشدن» و «دسترسی پذیری زیاد» به فضای نیروی عظمی می‌بخشیده است (عاملی، ۱۳۹۰: ۳۰۳).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر جهت شناخت نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در افزایش یا کاهش بزهکاری و راهکارهای لازم جهت پیشگیری از جرایم سایبری و بزهکاری با توجه به سواد رسانه‌ای در شهر ارومیه به روش کیفی و با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند انجام شد. برای کسب اطلاعات و اطلاع از نظرات مصاحبه‌شوندگان پرسشنامه‌ای توسط پژوهشگران تدوین و در آن، سوالات به صورت باز مطرح شد. این روش گردآوری داده به عنوان «مصاحبه کیفی» نیز شناخته شده است؛ چراکه داده حاصل از این مصاحبه بسیار عمیق است. در این پژوهش برای رسیدن به اهداف تعیین شده و پاسخ به سوالات تحقیق از دو گروه مصاحبه عمیق به عمل آمد:

- ۱- متخصصان، اساتید دانشگاه و کارشناسان جرم‌شناسی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان
- ۲- صاحب‌نظران، مدیران و عوامل حوزه تولید محتوا، رسانه و فضای مجازی؛ نمونه مشارکت‌کنندگان این پژوهش شامل ۱۱ نفر از کارشناسان رسانه شهر ارومیه و ۱۱ نفر از کارشناسان جرم‌شناسی در دادگستری استان آذربایجان غربی و معاونت پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان بودند که این کارشناسان با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند و جمع‌آوری داده‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت. به منظور دستیابی به پاسخ پرسش‌های این پژوهش، با الهام از روش تحلیل نظریه زمینه‌ای، کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها، انجام گردید که در نهایت نتایج به وسیله نرم افزار مکس کیودا^۱ استخراج و کدهای محوری از پاسخ‌های داده شده به دست آمد. بدین ترتیب پاسخ‌های کلیدی و مشخصی به سوالات اصلی تحقیق در جدول‌های مقایسه‌ای داده شده و محقق در بررسی روند این سوالات به پاسخ سوالات اصلی رسیده است. از آنجایی که هر مصاحبه‌با توجه به شرایط مصاحبه‌گر متفاوت بوده و امکان دارد ساعت‌ها طول بکشد گاهی برای رسیدن به پاسخ سؤالی که به طور دقیق منظور مصاحبه‌کننده بود سؤال و جواب‌های زیادی مطرح گردیده

1. MAXQDA



و یا پاسخ دهنده گاه ترجیح دادند پاسخ به دو پرسش را یکجا ارائه کنند، پاسخ‌ها گاه کوتاه و گاه مفصل می‌باشد که این طبیعت کار مصاحبه است.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری توصیفی استفاده شده است در این پژوهش برای کشف و شناسایی راهبردها از نوع مسئله محور فردی استفاده شد. روایی این تحقیق در سه مرحله سنجیده شد و با توجه به کیفی بودن تکنیک مصاحبه، در مرحله اول برای تعیین مقوله‌ها و محورها از روایی صوری برای روایی استفاده شد و مقوله‌ها و سوالات مصاحبه و سوالات تحقیق در اختیار متخصصان و اساتید دانشگاهی قرار گرفت. در مرحله دوم از تکنیک مقایسه ثابت استفاده شد به گونه‌ای که سعی می‌شود کدها به طور دقیق و صحیح ارزیابی شوند و کدها به طور مداوم با کدهای اولیه مقایسه شوند و تمامی کدها با اهداف و سوالات تطبیق داده شوند. سومین روشی که برای اعتبار تحقیق استفاده شده است، ارائه شواهد، استفاده مناسب از نقل قول‌ها و یادداشت‌های مصاحبه کننده بوده است به گونه‌ای که اجرای کامل مصاحبه و حقایق و بیان دقیق آنها به اعتبار کمک کند. در این تحقیق برای تعیین پایایی از روش روایی نظری استفاده شد و در زمینه معیار پایایی، این معیار در حد تکرارپذیری یافته‌های تحقیق انجام شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از مصاحبه با کارشناسان

الف- کارکردهای منفی شبکه‌های اجتماعی در حوزه بز هکاری های اجتماعی

۱. انتقال فناوری‌های جنایی: در گذشته مجرمان در شب‌های طولانی در زندان به تبادل افکار و تجربیات می‌پرداختند، اما اکنون رسانه‌ها با تولید انبوه فیلم‌های جنایی باعث انتقال این تجربیات و شگردهای جنایی به کل جامعه شده‌اند. به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی گاه به طور مستقیم و گاه به طور غیرمستقیم در ایجاد بز هکاری، جرم، انحرافات اجتماعی و... دخالت دارند. ذکر جزئیات رفتار مجرمانه و روش‌هایی که مجرمان برای ارتکاب جرم به کار می‌برند، نوعی آموزش برای افرادی که مستعد ارتکاب جرم هستند، ترفندها و مهارت‌های ارتکاب جرم یاد می‌گیرند.

۲. دگرگونی ارزش‌ها: شبکه‌های اجتماعی بویژه پیام‌رسان‌های دیداری، با نمایش صحنه‌های بز هکاری موجب می‌شوند، نوجوانان و جوانان با قهرمانان بز هکار، احساس همدلی کنند که گاه این احساس به ایجاد هویت یگانه در آنها منتهی می‌شود. در پرتو این حرکت ذهنی،



نوجوان، آن قهرمان را به عنوان الگو و مرجع برمیگزیند و عمل بزهکارانه او را، ارزشی مثبت تلقی میکند. البته استفاده نادرست از برخی رسانه‌ها، سبب شده است بسیاری از مخاطبان و بویژه نسل نوجوان و جوان، در برابر ارزشهای اخلاقی و اجتماعی مقاومت کنند و در برابر ویرانگری و نابودی ارزشهای فرهنگی و اخلاقی بی تفاوت شوند.

۳. بسط و توسعه بی تفاوتی: وقتی هر شب، در خانه‌ها بزهکاری رخ دهد، کسی بزه دیده شود و مثلاً سرقتی انجام گیرد؛ به طور طبیعی این امکان وجود دارد که این موضوع در جریان زندگی عادی و طبیعی انسانها نیز اثر بگذارد. بدین معنی که انسانها نسبت به بزهکاری، بی تفاوت شوند یا حتی احساس بی تفاوتی کنند. چنانکه گفته اند: در نیویورک، جنایتی رخ داد و جنازهای بر زمین افتاده بود. یازده نفر از کنار آن عبور کردند، اما هیچ یک از آنان برای بررسی این جنایت، حتی زحمت ایستادن را نیز به خود ندادند نمایش این جرایم و بزهکاری‌ها در فضای مجازی مطمئناً بر گسترش آن دامن می‌زند

۴. بسط بزهکاری: بزهکاری پدیده‌ای نو نیست و تاریخ، همواره شاهد رفتارهای بزهکارانه و عنان گسیخته افراد بسیاری بوده، اما پیدایی رسانه‌ها و تولید فیلمهای خشن و نشر اخبار جنایی یا تشنج‌زا باعث گسترش بزهکاری در جامعه شده است. شبکه‌های اجتماعی قادرند فنون ارتکاب جرایم را بی‌آموزند، جرایم را مهیج و لذتبخش جلوه دهند، به ترویج ارضا شدن آنی کمک کنند و فرد را به همانندسازی با مجرم راغب سازند.

۵. گسترش فحشا: یکی از کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مفهوم سازی و بر همین اساس شکل‌گیری هنجارهای مناسب با آن مفهوم است. بر این اساس ارائه تصاویر سخیف و مبتذل و خلاف عفت عمومی از طریق شبکه‌های اجتماعی و نوشتن شگردهای غیراخلاقی و مستهجن می‌تواند موجب گسترش جرایم به ویژه جنایات جنسی شود.

۶. تعریف مفهوم جرم: شبکه‌های اجتماعی تأثیر زیادی بر تصویر کلی جرم یا بزهکاری در جامعه دارند تا جایی که تصورات و مفاهیم موجود در مورد بزهکاری اغلب محصول شبکه‌های اجتماعی است و رسانه‌ها معمولاً جرم و جنایت را در جامعه معرفی می‌کنند که با ایجاد رعب و وحشت در بین افراد جامعه گره خورده و جرم و جنایت رکن اصلی آن است. به این ترتیب جرایم دیگری مانند تخریب محیط زیست، آسیب رساندن به اموال عمومی، جرایم مربوط به بهداشت و ایمنی مواد غذایی و... کمتر ذکر می‌شود.



۷. ایجاد امواج جنایی: شبکه‌های اجتماعی اغلب برخی از جنایات را برجسته و بزرگ می‌کنند: برخی جرایم بیشتر در معرض دید مخاطبان قرار می‌گیرند. به گونه‌ای که با ارائه گزارش‌های مکرر از ارتکاب برخی از انواع جرایم خاص از جمله جرایم خیابانی مانند تجاوز به عنف، ضرب و شتم و قتل، موجب می‌شود تا توجه عموم به این دسته از جرایم با شدت بیشتری جلب شود. نکته جالب توجه این است که برای تحقق مفهوم امواج جرم، نیازی به افزایش وقوع رفتار مجرمانه در عمل نیست، بلکه کافی است این تصور در افکار عمومی ایجاد شود که این گونه جرایم با افزایش رو به رو است. ۸. عادی‌سازی: هر چقدر هم که نابهنجاری در نگاه فعالان اجتماعی زشت و غیرمنطقی تلقی شود، به همان میزان از میزان ارتکاب انحراف اجتماعی و خروج از هنجارهای اجتماعی کاسته می‌شود. نمایش ظلم‌های اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی در کاهش تنفر از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه تاثیر بسزایی دارد، زیرا فرد ضمن اطلاع از هنجارشکنی، متوجه می‌شود که هنجارهای اجتماعی که از نظر او تخلف ناپذیر بوده است، می‌تواند شکسته و نقض شود. بنابراین انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می‌شود و این یکی از کارکردهای منفی بیان تخلفات و انحرافات در یک شبکه اجتماعی است.

۹. تضعیف اعتماد اجتماعی و اعتماد افراد جامعه به یکدیگر، سرمایه اصلی تعامل اجتماعی است: تعاملی که برای رفع نیازهای زیستی و اجتماعی افراد جامعه صورت می‌گیرد، بنابراین تضعیف این اعتماد، مشکلات زیادی را در عرصه‌های اجتماعی ایجاد می‌کند. روابط و ارضای خواسته‌های افراد. یکی از عوامل تضعیف اعتماد اجتماعی، ترویج انحرافات اجتماعی از طریق رسانه است. زیرا ابراز و نشان دادن انواع انحرافات از شبکه‌های اجتماعی و اعلام رشد آن، فضای بدگمانی و تردید را نسبت به سایر افراد جامعه ایجاد می‌کند و احتمال این انحراف را از سوی تک تک افراد جامعه افزایش می‌دهد و روحیه اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند. ۱۰. نقض حریم خصوصی افراد: اگرچه افراد جامعه به دلیل داشتن ارتباطات اجتماعی گسترده با فعالان، جنبه‌های رفتاری مشترکی دارند، اما هر کدام از آنها حری می‌دارند که به امور شخصی و روابط بین فردی و خانوادگی آنها مربوط می‌شود. همه افراد جامعه سعی می‌کنند این حریم خصوصی مانند علاقه به زن و فرزند، اختلافات خانوادگی، رفت و آمد، روابط، سلیقه، میزان درآمد و سفر و... را از دیگران دور نگه دارند. از سوی دیگر رسانه‌ها به دلیل وظیفه گزارشی و اطلاع‌رسانی با ورود به اسرار خصوصی افراد، لاجرم اصل ممنوعیت ورود به این حرم را زیر پا می‌گذارند.



۱۱. تحریک و تغییر در الگوهای مصرف و میل به زیاده خواهی و تنوع طلبی شبکه‌های اجتماعی: از طریق تبلیغات گسترده تجاری، در واقع تمایل به مصرف زدگی و گرایش به زیاده خواهی را تشدید می‌کنند.

۱۲. از بین بردن تعادل روانی کاربران: شبکه‌های اجتماعی، با تحریک نیاز و میل به مصرف‌گرایی افراد جامعه و همچنین ایجاد نیازهای مصنوعی، به نوعی موجب از بین رفتن تعادل روانی انسان‌ها می‌شوند.

۱۳. فرهنگ‌زدایی: رسانه‌ها بویژه شبکه‌های اجتماعی، با استفاده از فناوریهای پیشرفته و برتر خود، توانسته‌اند در تمام عرصه‌ی جهانی به طور آشکار، تجلی یابند. قدرتهای بزرگ جهان نیز، شبکه‌های اجتماعی را به صورت انحصاری یا شبه انحصاری در اختیار گرفته و در نتیجه به فرهنگهای ضعیف تاخته‌اند و شکافی وسیع در برنامه‌های توسعه فرهنگی به وجود آورده‌اند.

۱۴. حذف مکانیسم‌های کنترل خارجی و داخلی: عملکرد برخی رسانه‌ها در ارائه تصویری تحقیرآمیز از نظام عدالت کیفری ممکن است تأثیر کنترل خارجی را کاهش دهد. نشان دادن ناکارآمدی عدالت کیفری و ایجاد شبهه در انسجام، بی‌طرفی یا کارآمدی و اثربخشی آن موجب تضعیف مشروعیت نهادهای عدالت کیفری و کاهش همکاری شهروندان با پلیس و دستگاه قضایی می‌شود. از سوی دیگر، بخشی از نظریات مربوط به رابطه پوشش رسانه‌ای جرم و رفتار مجرمانه مربوط به این ادعاست که رسانه‌ها با نمایش مستمر تصاویر فریبنده و دلنشین از ارتکاب جرم و افسانه‌سازی مجرمان، کنترل‌های داخلی را تضعیف می‌کنند.

ب- کارکردهای مثبت شبکه‌های اجتماعی در حوزه بزهکاری‌های اجتماعی

۱. اطلاع‌رسانی و هشدار: یکی از کارکردهای اساسی شبکه‌های اجتماعی، اطلاع‌رسانی از رویدادهایی است که در محیط اجتماعی رخ می‌دهد. امروزه تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد در رسانه‌ها رسوخ کرده است، از خصوصی‌ترین رفتار افراد گرفته تا بزرگترین تغییرات در نهادهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی و سیاسی تحت تاثیر رسانه‌ها. گاهی اوقات شبکه‌های اجتماعی اعم از پیام‌رسان، انواع شبکه‌های اجتماعی، انحرافات اجتماعی از جمله انواع جنایات را آشکار می‌کنند و زوایای پنهان این گونه داستان‌ها را برای مخاطبان خود آشکار می‌کنند و انواع دام‌هایی را که بر سر راه مخاطبان و کاربران قرار می‌گیرد. شبکه‌ها مکان یابی شده، هشدار می‌دهند و راه‌های لغزش دیگران را برای کاربران به تصویر می‌کشند و با اطلاع‌رسانی به موقع و مناسب به آحاد جامعه نقش موثری در پیشگیری از انحرافات اجتماعی دارند.



۲. آشنایی با قوانین و مقررات جزایی: قوانین اساسی نظم اجتماعی در هر جامعه‌ای هستند، به طوری که بدون قوانین، نظم اجتماعی در میان افراد، سازمان‌ها و نهادهای مدنی غیر ممکن خواهد بود. قانون جایگاه هر فرد را در نظام مشخص می‌کند و انتظارات را در مسیری منطقی هدایت می‌کند. ارائه گزارش از ضوابط پیش‌بینی شده در قانون و مجازاتی که قانون برای متخلفان خاص در نظر گرفته، کارکرد ارزشمندی است که شبکه‌های اجتماعی در عصر ارتباطات دارند. شبکه‌های اجتماعی با تبیین قوانین و مقررات سعی می‌کنند رفتار افراد را در مسیر هنجارهای تعریف شده جامعه سوق دهند و با نفوذ در ذهن و اقناع افراد، هنجارها را درونی، جذب و قلبی بپذیرند. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با نشان دادن مجازات‌هایی که به دلیل تخلف از قانون برای بز هکاران در نظر گرفته شده است، در کاهش بز هکاری مؤثر باشند.

۳. کنترل اجتماعی: کنترل اجتماعی به دو صورت انجام می‌شود، یکی از طریق فشارهای اجتماعی که ابزار آن قوانین و ضمانت اجرای آن است و دیگری از طریق اقناع که افراد را مکلف می‌کند. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز وظیفه کنترل اجتماعی را دارند. این شبکه‌ها با درج و انعکاس ناهنجاری‌های اجتماعی و عواقب ناگواری که در انتظار مجرمان است، ناهنجاری‌ها را در جامعه کنترل و از آن جلوگیری می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی عمدتاً از طریق متقاعدسازی بهتر می‌توانند در کنترل اجتماعی مؤثر باشند

۴. پیشگیری از جرم: عملکرد شبکه‌های اجتماعی در شکل دهی به تعریف خشونت و جرم، نقش آنها را در ایجاد تغییرات قانونی و تقویت انواع خاصی از راهبردهای عملیاتی پلیس نقش بسیار مؤثری دارد. برای مثال می‌توان به اتخاذ روش‌هایی برای کنترل مکان‌های خاص اشاره کرد. شبکه‌های اجتماعی از طریق اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی، تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی، تأثیرگذاری بر الگوهای رفتاری و ایفای نقش سرگرمی می‌توانند نقش بسیار گسترده و تعیین کننده‌ای در پیشگیری از وقوع جرم داشته باشند.

۵. تقویت اخلاق اجتماعی: اهمیت نقش شبکه‌های اجتماعی در سلامت اخلاقی جامعه غیر قابل انکار است و خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی در این زمینه نفوذ بیشتری دارد. شبکه‌های اجتماعی با ارائه برنامه‌هایی می‌توانند در تقویت محدودیت‌های اجتماعی و پیوندهای خانوادگی مؤثر باشند. این محدودیت‌ها عبارتند از: وابستگی مانند وابستگی فرزندان به والدین؛ تعهدی مانند تعهد به پیروی از دستورات دینی یا حفظ امور خانواده؛ دخیل بودن یعنی در گیر کردن انسان در کارهای گوناگون، به گونه‌ای که فرصت ارتکاب خلاف نداشته باشد.



اعتقادات به معنای میزان اعتباری است که فرد نسبت به موازین قراردادی جامعه دارد و در عین حال که به میل خود می‌تواند از هنجارهای اجتماعی عدول کند، به آنها متعهد می‌ماند، مانند اعتقاد به خیر. یکی دیگر از نقش‌های شبکه‌های اجتماعی در سلامت اخلاقی جامعه ایجاد باورهایی است که رفتار ما را شکل داده و درونی می‌کند. بنابراین از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌توان اخلاق اجتماعی را با درونی‌سازی هنجارهای اخلاقی تقویت کرد.

۶. آموزش مهارت‌های زندگی؛ مهارت‌های زندگی افراد را قادر می‌سازد تا به طور موثر با الزامات و چالش‌های زندگی روزمره مقابله کنند. آموزش این مهارت‌ها باعث رشد فردی و اجتماعی، حمایت از حقوق بشر و پیشگیری از مشکلات روحی و اجتماعی می‌شود. به طور کلی مهارت‌های زندگی ابزار قدرتمندی در دست متولیان سلامت روانی و اجتماعی جامعه است و شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از متولیان سلامت جامعه، مددکاران اجتماعی هستند و نقش بسیار مهمی در آموزش مهارت‌های زندگی به افراد جامعه دارند. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند نقش موثر خود را در توانمندسازی افراد جامعه با هدف‌گذاری علمی و اولویت بندی مهارت‌های زندگی ایفا کنند.

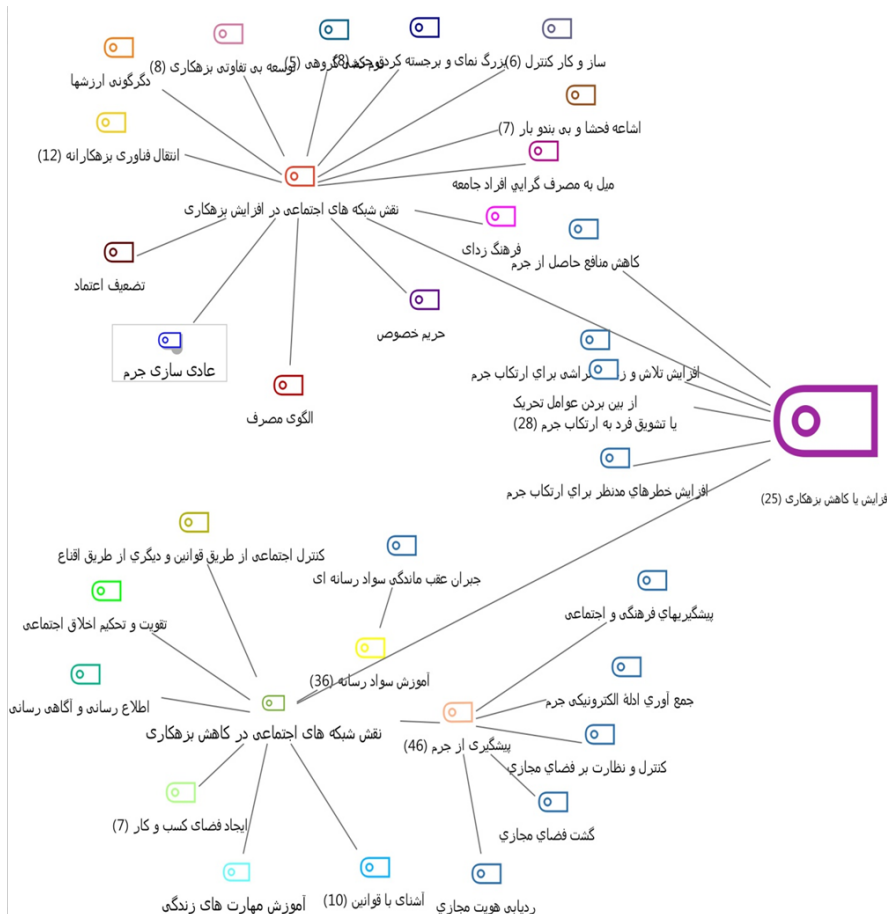
جدول عناوین کد گذاری شده نظرات کارشناسان به تفکیک تخصص

کل	کارشناسان جرم شناس	کارشناسان رسانه	عناوین کد گذاری شده
۱۸	۸	۱۰	نقش شبکه‌های اجتماعی در افزایش بزهکاری
۱۵	۹	۶	بزهکاری
۴	۲	۲	کاهش منافع حاصل از جرم
۶	۳	۳	افزایش تلاش و زحمت تراشی برای ارتکاب جرم
۱۵	۹	۶	از بین بردن عوامل تحریک یا تشویق به ارتکاب جرم
۶	۲	۴	افزایش خطرهای مدنظر برای ارتکاب جرم
۱۰	۶	۴	انتقال فناوری بزهکارانه
۸	۵	۳	دگرگونی ارزشها
۷	۶	۱	توسعه بی تفاوتی بزهکاری



۵	۲	۳	اشاعه فحشا و بی بندو بار
۷	۵	۲	بزرگ نمای و برجسته کردن جرم
۹	۵	۴	عادی سازی جرم
۷	۴	۳	تضعیف اعتماد
۹	۳	۶	حریم خصوص
۱۰	۶	۴	الگوی مصرف
۱۰	۶	۴	میل به مصرف گرایی افراد جامعه
۴	۲	۲	فرهنگ زدای
۳	۲	۱	قوم کشی گروهی
۵	۲	۳	ساز و کار کنترل
۱۷	۷	۱۰	نقش شبکه‌های اجتماعی در کاهش بز هکاری
۱۹	۹	۱۰	پیشگیری از جرم
۱۰	۶	۴	پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی
۳	۲	۱	جمع آوری ادله الکترونیکی جرم
۱۳	۶	۷	کنترل و نظارت بر فضای مجازی
۳	۱	۲	گشت فضای مجازی
۳	۱	۲	ردیابی هویت مجازی
۲۱	۱۰	۱۱	آموزش سواد رسانه
۲۱	۱۰	۱۱	جبران عقب ماندگی سواد رسانه‌ای
۱۷	۱۰	۷	اطلاع رسانی و آگاهی رسانی
۷	۳	۴	ایجاد فضای کسب و کار
۸	۳	۵	آشنایی با قوانین
۱۴	۷	۷	کنترل اجتماعی از طریق قوانین و اقلان
۱۴	۶	۸	تقویت و تحکیم اخلاق اجتماعی
۱۷	۸	۹	آموزش مهارت‌های زندگی
۳۴۵	۱۷۶	۱۶۵	جمع کل

مدل تاثیر گذاری شبکه‌های اجتماعی در افزایش و کاهش بزهکاری



جمع بندی و نتیجه گیری

اهمیت ویژه تحقیقات در زمینه نقش شبکه‌های اجتماعی در جرم و بزهکاری از این جهت است که امروزه این رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در زندگی مردم دارد و تغذیه فکری اکثر افراد جامعه از این طریق انجام می‌شود. در حوزه بزهکاری، رسانه‌ها تاثیرات و کارکردهای مثبت و منفی زیادی دارند. رسانه و بویژه شبکه‌های اجتماعی با آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی در مورد وقوع جرایم و



انحرافات اجتماعی و با معرفی ابعاد و راه‌های لغزش مردم به سمت رفتارهای ناشایست نقش موثری در پیشگیری و کنترل انحرافات اجتماعی ایفا می‌کنند و هنجار شکنی رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توانند با استفاده از تکنیک‌های تبلیغاتی و خلاقیت‌های هنری و با ارائه الگوهای رفتاری صحیح، هنجارهای اخلاقی را در افراد جامعه درونی کنند و نفرت و زشتی تضعیف باورها و ارزش‌های ملی و مذهبی را به کاربران خود القا کنند. از سوی دیگر شبکه‌های اجتماعی با تبیین قانون و مقررات می‌توانند رفتار مردم را در جهت هنجارهای تعریف شده جامعه سوق دهند و با ترویج روحیه قانون گرایی و با ارائه مزایای قانونی آنها را به آن سمت هدایت کنند. با توجه به کارکردهای فوق و تفاوت موجود در دیدگاه‌های نظری مطرح شده در مورد ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و بز هکاری یا انحرافات ناشی از آن این واقعیت آشکار می‌شود که بسته به نوع نگرش و تغییر رفتار می‌توان تأثیر این شبکه‌ها را بر روی بز هکاری به طور مثبت یا منفی مفهوم سازی کرد. نتیجه اینکه شبکه‌های اجتماعی ذاتاً مضر نیستند، اما مانند همه فناوری‌ها دارای جنبه‌های مثبت و منفی هستند و نوع استفاده از آنها می‌تواند تأثیر منفی یا مثبت آنها را ایجاد کند.

امروزه به یقین می‌توان گفت که نه می‌توان فناوری اطلاعات و ارتباطات را از زندگی بشر حذف کرد و نه می‌توان آن را کاملاً از وجود جرم پاک کرد، بنابراین تنها راهی که باقی می‌ماند کاهش مشکلات و چالش‌های پیشرفت جامعه بشری است. اقدام مناسب، شناسایی علل وقوع جرم است تا با بررسی سازوکارهای حاکم بر این فضا، راه‌های ارتکاب جرم مسدود شود. در این راستا توجه ویژه به اقدامات پیشگیرانه غیر کیفری و توسعه عدالت ترمیمی به جای عدالت کیفری و مجازات‌های بیهوده بسیار حائز اهمیت است.

اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر مخاطب یا کاربران این شبکه‌ها از فرایندی دو سویه پیروی می‌کند و کاربران می‌توانند در اثرگذاری رسانه نقش مهمی داشته باشد. بنابراین گام نخست در افزایش تأثیر شبکه‌های اجتماعی، استفاده از کانال‌های بیشتر می‌باشد زیرا با استفاده از تعداد بیشتر مجاری ارتباطی، در حقیقت سبب کاهش احتمال گریز مخاطب از پیام شده ایم و گام بعدی به سه بعد محتوا، ساختار و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی یا سایر رسانه‌ها برمی‌گردد. پیام پیشگیرانه را می‌توان از طریق برنامه‌های متفاوت، در اشکال مختلف رسانه یا در اشکال مختلف بازتاب خبر یا هشدار ارائه کرد. محتوای شبکه‌های اجتماعی می‌تواند خبر یک حادثه یا بز هکاری باشند، که شروع آن با بیان یک بند قانونی، اعلام ملاحظات امنیتی لازم، شرح کیفر مجرمان و امثال آنها شروع



شود. با ارائه چنین محتوایی تأثیر شناختی، عاطفی و رفتاری در مخاطب می‌تواند اثر گذار باشد. این مخاطب چه فعال باشد و چه منفعل، ناگزیر به دلیل دریافت پیام دارای تأثیرپذیری بیش از صفر خواهد بود. اما صرف رسیدن پیام سبب تغییر و تحول نگرشی یا رفتاری در او شاید نشود. از این رو لازم است که به عوامل روانشناختی، طبقه اجتماعی و روابط اجتماعی او انگیزه‌ها و علائق و نیازهای او توجه بیشتری شود که در اینجا مطالعات و تحقیقات نهاد کیفری شکل دهنده نوع محتوای پیام و ساختار مناسب آن برای اثرگذاری پیام باید کارشناسی شده باشد. در حقیقت با ایجاد وابستگی بیشتر به رسانه سبب افزایش احتمال تأثیرگذاری می‌شویم زیرا هر چه وابستگی شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با یک پیام ویژه بیشتر باشد، این احتمال که آن پیام، شناخت، احساسات و رفتارهای مخاطب را تغییر دهد بیشتر است. از سوی دیگر کلاً تمامی رسانه‌ها تنها عامل تأثیرگذار در انسان نیست و جامعه اطراف فرد، نیز نقش مهمی در رفتارهای بزهکارانه دارد. انعکاس اخبار بزهکارانه نیز می‌تواند سبب آگاهی مخاطب مستعد جرم از شیوه‌های جدید شود و سبب افزایش پتانسیل جرم خیزی او را بالا ببرد. با این حال انعکاس اخبار از جهت دیگر هوشیاری سایر افراد جامعه را از وجود خطر و افزایش بار امنیتی و احتیاطی جامعه با خبر می‌کند و بیش از آنچه که سبب تحریک مخاطب مستعد جرم به انجام بزه شود، با ایجاد سپر دفاعی در جامعه سبب پیشگیری و عدم ایجاد زمینه ایجاد بزهکاری می‌شود. از سوی دیگر در چنین شرایطی توجه به نقش نیروی انتظامی به عنوان سپر پوششی جامعه که مخاطب را نیز احاطه کرده است، سبب می‌شود تا حضور دایمی و ملموس این ضابط قضائی به عنوان یک متغیر میانجی، سبب افزایش تأثیرگذاری شبکه‌ای اجتماعی در کاهش جرایم و بزهکاری شود.

شبکه‌های اجتماعی با توجه به نقش آموزشی و اطلاع‌رسانی خود می‌توانند با ارائه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی همراه با رعایت اصول اخلاقی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم موثر باشند و از آنجایی که دولت‌ها به راحتی می‌توانند از این ابزار برای رسیدن به اهداف خود و کاهش هزینه‌های خود در مبارزه با انواع جرایم استفاده کنند، اما جایگاه واقعی همه رسانه‌ها در ایران مورد توجه قرار نگرفته است. سیاست جنایی و این ابزار مؤثر در ایجاد هنجارها و فرهنگ سازی به درستی مورد استفاده قرار نگرفته است و در گذشته با انگیزه کاهش جرم یا بزهکاری در موارد مختلف سعی در تشدید مجازات‌های قبلی شده است. قانونگذار در قانون مطبوعات، برخلاف قانون منع استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره، نقش پیشگیرانه را برای رسانه‌ها در نظر گرفته و بر اهمیت آن در پیشگیری از وقوع جرم تأکید کرده است. البته می‌توان این پیش‌بینی را به صورت



غیرمستقیم انجام داد و جایگاه مهم آن را بهتر از وضعیت فعلی پیش‌بینی کرد. در سیاست کیفری قضایی ایران نمی‌توان به طور مستقیم در میان رویه‌ها و نظرات نقشی برای رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی پیدا کرد.

رسانه‌ها می‌توانند با معرفی مجرمان در مرحله کشف جرم، ارائه برنامه‌های آموزشی برای مجرمان و خانواده‌ها، ترویج عدالت ترمیمی و اطلاع‌رسانی مجرمان به قوه قضائیه در پیشگیری از وقوع جرم و بزهکاری کمک کنند. مهمترین نقش رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های اجتماعی در حوزه بزهکاری و سیاست جنایی، مشارکت است که رسانه‌ها می‌توانند در این زمینه آموزش و آگاه‌سازی شهروندان و پیشگیری از وقوع جرم نقش بسیار مهمی داشته باشند

از آنجایی که شبکه‌های اجتماعی یکی از عوامل اجتماعی یا محیط‌گزینشی یا تصادفی جرم هستند، نقشی دوگانه در وقوع یا پیشگیری از وقوع جرم دارند و این ابزار نقش مهمی در پرورش یا انحراف افکار عمومی دارد و بهترین ابزار برای روشنگری اذهان و روشنگری افکار و نظرات عمومی محسوب می‌شوند. همچنین می‌توان بیان کرد ماهیت شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ای است که برای جذب مخاطب باید مفاهیم و حقایق مورد نظر را به صورت اغراق آمیز یا تحریف شده ارائه دهند و این شبکه‌ها با انتخاب موضوع رویدادها نقش آفرینی می‌کنند. با توجه به اینکه امروزه شبکه‌های اجتماعی تصویری با تولید انبوه فیلم‌های بزهکارانه، خشونت و ناامنی، روابط جنسی و پورنوگرافی باعث انتقال تجربیات و تکنیک‌ها برای مخاطبان خود می‌شود، می‌توان گفت که رسانه‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم و ناخواسته در ایجاد بزهکاری و جرم دخالت دارند، زیرا شبکه‌های اجتماعی نقش موثری در ایجاد انگیزه و آموزش افراد آماده ارتکاب جرم دارند. عادی سازی بزهکاری شرایط را برای بزهکاری در جامعه فراهم می‌کند و حتی می‌تواند افراد مستعد را مجبور به انجام بزهکاری کند. شبکه‌های اجتماعی با نمایش بزهکاری و بزرگ‌نمایی اخبار جنایی باعث مقبولیت جرم در جامعه شده و می‌توانند تاثیر به‌سزایی در تحریک کاربران خود به ارتکاب جرائم علیه سایر اشخاص شوند، هرچند که نمایش فیلم‌های بزهکارانه ممکن است مردم را از وجود جرم و ابعاد مخرب آن آگاه کند و موجبات پیشگیری از جرم را در جامعه فراهم آورد.



فهرست منابع

۱. برنت‌ای تروی (۱۳۸۵). ترسیم شخصیت جنایی مجرم، ترجمه اکبر استرکی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران.
۲. پاکزاد، بتول (۱۳۸۸). تروریسم سایبری، رساله دکتری حقوق جزا و جرم-شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳. پستمن، نیل (۱۳۸۵). نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی، ترجمه: صادق طباطبایی، تهران: انتشارات اطلاعات
۴. خواجه‌ئیان، داتیس - فرهنگی، علی اکبر و هادوی نیا، عباس (۱۳۸۸). طراحی مدل تعاملی مدیریت رسانه و فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۶۰، صفحات ۱۱-۳۶
۵. دادرس، زهرا - فرامرزیانی، سعید - جعفری، علی و بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۸). اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی موبایلی و اثرات فرهنگی و رفتاری ناشی از آن (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر دوره متوسطه) فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین. دوره ۵، شماره ۱۹. صفحه ۱۵۱-۱۹۰
۶. سلیمانی، مجید (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه با اهمال کاری تحصیلی، احساس تنهایی و سلامت روان در دانش آموزان پسر سوم دبیرستان شهر قم. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. عین بیگی، رمضان؛ خان شریفان، صفورا و خان شریفان، سمیرا (۱۳۹۴). نقش شبکه‌های اجتماعی از منظر ایجابی بر منیت اجتماعی جسارت‌هایی پیرامون برهم کنش شبکه‌های اجتماعی و گفتمان ایرانی-اسلامی پیشرفت. فصلنامه دانش انتظامی خراسان. ۱۳۲-۹۵
۸. فخریان، سیف‌الله (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی (مورد مطالعه: دانش آموزان دختر متوسطه دوره دوم شهر بابل. دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی. دوره اول. شماره اول.
۹. فرامرزی، رسول و کشاورز، حمید (۱۳۹۳). نقش شبکه‌های اجتماعی در احساس امنیت اجتماعی افراد. مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان. فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی، ۱۰(۴)صص. ۹۷-۱۱۵
۱۰. فرامرزیانی، سعید (۱۴۰۲). مطالعه اعتیاد به فضای مجازی و اثرات رفتاری ناشی از آن در



بین دانش آموزان (مورد مطالعه: دانش آموزان پایه هفتم ارومیه) دومین همایش علمی پژوهش‌مندی.

۱۱. فرامرزبانی، سعید- هاشمی، شهناز و فرهنگی، علی اکبر (۱۳۹۵). نقش رسانه‌های مجازی در تغییرات ارزش‌های اجتماعی با تاکید بر شبکه‌های اجتماعی تلگرام و فیس بوک منتشر شده در فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۴ - شماره پیاپی ۴۰، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۵ صفحه ۱۲۳-۱۴۸.

۱۲. فضلی، مهدی (۱۳۸۹). مسؤولیت کیفی در فضای سایبر، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ نخست، تهران.

۱۳. کلانتری، عبدالحسین- محبی، سیروس و حیدر خانی، هابیل (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین استفاده از رسانه‌های جمعی جهانی و احساس امنیت اجتماعی در شهر کرمانشاه، پژوهشنامه توسعه فرهنگی اجتماعی، دوره ۲، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱ فروردین ۳۹۶ صفحه ۲۵-۴۲.

۱۴. معتمدی، محمد، (۱۳۸۲). اولویت بندی آسیبها و مسائل اجتماعی در کشور ایران، تهران، معاونت پژوهشی سازمان بهزیستی کشور، تهران نشر.

۱۵. نصیری، بهاره - بختیاری، آمنه و طاهریان، آمنه. (۱۳۹۲). نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی شبکه اجتماعی کفهمام، شبکه‌های برای مادران و کودکان. (پژوهشنامه زنان، (۲) ۴ صص. ۵۹-۳۷

۱۶. نوریان، علیرضا (۱۳۹۱). فنا؛ پلیس حرفه‌های یا تخصصی؟، هفته نامه امین جامعه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، شماره دهم، ص. ۲۳۱